

رستخیز روزنامه‌ها معرفی نشده

● تحقیق و نگارش: راضیه محب
دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی

چکیده

رستخیز عنوان روزنامه‌ای است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۴ ق. / ۱۹۱۵-۱۹۱۶ م. در بغداد و کرمانشاه منتشر شده است. این سال‌ها مقارن با سال‌های جنگ جهانی اول و اوج درگیری‌های آشکار و پنهان دولت‌های درگیر در جنگ بزرگ در خاک ایران است. این روزنامه را می‌توان سخنگوی «کمیته‌ی ملیون ایرانی» دانست که به ریاست سیدحسن تقی‌زاده و با هدف مبارزه با نفوذ روسیه و انگلستان در ایران، با کمک آلمان‌ها در برلین، تشکیل شد. در سال ۱۳۳۳ ق / ۱۹۱۵ م. این کمیته به منظور استفاده از شرایط موجود برای تحریک و سامان‌دهی عشایر، احزاب و ملت ایران افرادی را به ایران و بغداد اعزام نمود. این مأموریت گاه جنبه‌ی تبلیغاتی داشت و گاه به درگیری‌های نظامی نیز کشیده شده است. از جمله فعالیت‌های تبلیغاتی که در این زمان در بغداد و کرمانشاه به نتیجه رسید، انتشار ۲۵ شماره‌ی روزنامه‌ی رستخیز بود که با فعالیت پورداد و با کمک افراد دیگری از نمایندگان کمیته‌ی مزبور صورت گرفت. به‌رغم اهمیت این روزنامه و وسعت اطلاعات و تحلیل‌های موجود در آن، رستخیز همچنان روزنامه‌ای ناشناخته مانده است که حتی در منابع مرجع نیز نامی از آن دیده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: رستخیز، کمیته‌ی ملیون ایرانی، جنگ جهانی اول، ایران، آلمان.

مقدمه

«با زبانی ساده همه‌ی ایرانیان را از فرصت این روزهای تاریخی یادآور است. بدون تمایل فرقه‌ی مخصوص عموم طبقات را از خورد و بزرگ از توانگر و بینوا به سوی اتحاد و اتفاق می‌خواند (رستخیز، ش: ۱۰۱)»

شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۳ ق. / ۱۹۱۴ م. بسیاری از مناطق جهان را درگیر ساخت. در این میان به‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ، سابقه‌ی حضور انگلیسی‌ها و روس‌ها در ایران، پیش از آغاز جنگ و تلاش برای ایجاد زمینه‌های نفوذ به وسیله‌ی دولت‌هایی چون عثمانی و آلمان، ضعف دولت مرکزی و بالاخره موقعیت جغرافیایی ایران زمینه‌هایی برای درگیری ایران در جنگ بزرگ فراهم شد.

در این زمان فرمان بی‌طرفی در جنگ در ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ / اول نوامبر ۱۹۱۴ به وسیله‌ی احمد شاه صادر گردید و پس از آن در ۱۳ ذی‌الحجه همان سال تلگرافی از سوی مستوفی‌الممالک به عنوان ریاست وزرا برای حاکمان ایالات ارسال گردید و از آن‌ها خواسته شد «که بی‌طرفی را رعایت نموده و از اقداماتی که موجب نقض آن را فراهم می‌آورد خودداری کنند» (سپهر، ۱۳۶۴: ۸۹).

به دنبال آن دولت ایران برای بیرون بردن نیروهای روسیه و عثمانی از آذربایجان و مرزهای غربی اقدامات دیپلماتیکی را آغاز کرد. زیرا از نظر ایران حضور این نیروها مهم‌ترین موانع بی‌طرفی ایران به شمار می‌رفتند. از طرف دیگر استقرار نیروهای انگلیسی و روسی بر اساس قرارداد ۱۹۰۷ م. / ۱۳۲۵ ق. در جنوب و شمال ایران اوضاع را مشکل‌تر می‌ساخت. زیرا به دنبال آن نیروهای عثمانی به بهانه‌ی حضور نیروهای روسی وارد آذربایجان و دیگر مناطق ایران شده و این منطقه از ایران محلی برای برخورد و جنگ نیروهای طرفین گردید. در نوامبر ۱۹۱۴ م. / ذی‌الحجه ۱۳۳۲ نیروهای انگلیسی نیز به تدریج نواحی جنوبی ایران، بندر فاو و بصره را اشغال کردند و به شدت حضور خویش در این مناطق افزودند.

در همین زمان است که با توجه به سیاست شرقی آلمان و شرایط ایران، فعالیت‌های مأمورین آلمانی در این مناطق شدت گرفت. دولت آلمان ابتدا همراه و در کنار عثمانی‌ها و سپس به صورت مستقل از آن‌ها به اقدامات وسیعی در ایران دست زد. به همین منظور آن‌ها تلاش‌های خود را در چند

رستخیز عنوان روزنامه‌ای است که مقارن با سال‌های جنگ جهانی اول و اوج درگیری‌های آشکار و پنهان دولت‌های درگیر در جنگ بزرگ در خاک ایران، در بغداد و کرمانشاه منتشر شده است

روزنامه‌ای معرفی نشده

مبارزه با انگلیسی‌ها و روس‌ها و ورود به افغانستان برنامه‌ریزی و عملی شد. این فعالیت‌ها ابتداءً قالب همکاری با عثمانی‌ها و سپس به صورت مستقل اجرا می‌شد. اما آنچه که به موضوع این مقاله نزدیک است، برنامه‌ریزی مشترک کمیته‌ی ملیون و آلمان است.

هم‌زمان با فعالیت کمیته‌ی مذکور، در کنار برنامه‌ریزی گروه‌های مشترک آلمانی و عثمانی و در عین حال طراحی‌های نیروهای آلمانی به این منظور، افرادی به عنوان نمایندگان کمیته‌ی ملیون به بغداد و کرمانشاه اعزام شدند. هدف این افراد تماس با رؤسای حزب دمکرات در تهران و همکاری نزدیک با مأموران آلمانی به منظور تشویق ایالات برای مبارزه با نیروهای انگلیسی و روسی در ایران بود. این مأموریت‌ها گاه جنبه‌ی تبلیغاتی داشت و گاه به درگیری‌های نظامی نیز کشیده می‌شد. در همین رابطه، **کاظم‌زاده** و رضا افشار از برلین به تهران آمدند. پس از آن **اشرف‌زاده**، **علیقلی راوندی** و **سعیدالله درویش** به شیراز و **جمالزاده**، **پورداد**، **نوبری**، **امیرخیزی**، **یکانی** و **ناله ملت** راهی بغداد شدند.^۱

در همین زمان است که سفارتخانه‌های روسیه و انگلیس از سفر **کاظم‌زاده** به تهران اظهار نگرانی می‌کنند. زیرا آن‌ها معتقد بودند که وی از «طرف تقی‌زاده نشریات طغیان‌آمیزی بر علیه انگلیس و روسیه و سایر متفقین به نظم و نثر با خود آورده و به‌توسط سفارت آلمان در تهران و ولایات در کلیه محافل و حتی در قهوه‌خانه‌ها بخش شده است» (همان: ۱۷۸).

نوشتن و انتشار شب‌نامه‌ها و اعلامیه‌هایی به منظور خبررسانی و تحریک احساسات مردم در جهت مبارزه با انگلیس و روسیه از اولین اقدامات این افراد به‌خصوص **جمالزاده** و **پورداد** بود. اما خیلی زود با توجه به سابقه‌ی **پورداد** در انتشار روزنامه، این عملیات، به صورت انتشار روزنامه، شکل منظمی به خود گرفت. در این میان سهم **پورداد** و **جمالزاده** در انتشار رستخیز بیش از سایرین بود.

انتشار رستخیز حاصل این شرایط و فعالیت‌ها بود. با عنایت به شرایط جنگی و فوق‌العاده دشوار بغداد و کرمانشاه به عنوان دو محل انتشار رستخیز، می‌توان انتشار این روزنامه را کاری دشوار محسوب کرد. دشواری‌هایی که موجبات برخورد میان دوستان و همفکران را نیز فراهم کرد.

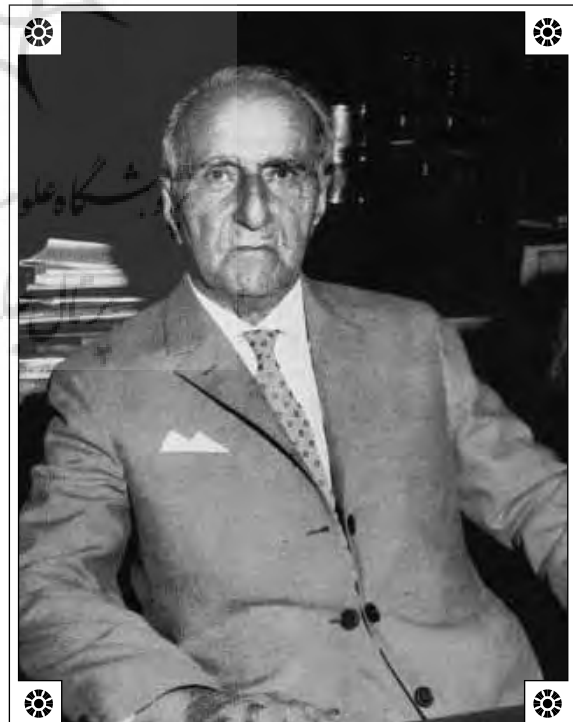
کلیات

رستخیز، روزنامه‌ای برخاسته از شرایط خاص ایران در سال ۱۳۳۳

زمینه تمرکز بیشتری دادند: تلاش برای همراه کردن روحانیت و مراجع، استفاده از عشایر و سران طوایف مختلف در ایران، همراه کردن فرماندهان و افسران سوئدی ژاندارمری و مهم‌ترین نیروی منظم ملی در ایران یعنی حزب دمکرات ایران.

در تعقیب این سیاست آلمان‌ها در سال ۱۳۳۳ ق. / ۱۹۱۵ م. موفق به تشکیل «کمیته ملیون ایرانی» «persische Komitee» در برلین به ریاست **سیدحسن تقی‌زاده** شدند. بدون اینکه قصد تشریح چگونگی و چرایی تشکیل این کمیته را داشته باشیم، به عنوان مقدمه به بخشی از اقدامات آن‌ها اشاره می‌شود.

از ابتدا کمیته با هدف مبارزه و تبلیغ علیه روسیه و انگلستان در ایران علم همکاری با آلمان‌ها را برافراشت. تبلیغ و تحریک عشایر و مردم ایران برای این مبارزه از ارکان اصلی شکل‌گیری کمیته ملیون بود. در این میان، فعالیت مأمورین آلمانی در قالب هیأت‌های مختلف به منظور استفاده از ایران برای



ابراهیم پورداد

با عنایت به شرایط جنگی و فوق‌العاده دشوار بغداد و کرمانشاه به عنوان دو محل انتشار رستخیز، می‌توان انتشار این روزنامه را کاری دشوار محسوب کرد. دشواری‌هایی که موجبات برخورد میان دوستان و همفکران را نیز فراهم کرد

تغییرات اندکی در تک شماره‌ها تا پایان انتشار حفظ شد. همچنین در این مرحله عنوان در نظر گرفته شده برای مراسلات و تلگراف‌ها چنین معرفی شده است: «کرمانشاه، اداره رستخیز، Redaction de Restekhise kermanchah (resurrection)». قابل ذکر است که بر اساس مستندات بسیار، آخرین شماره‌ی رستخیز در ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۴ قمری/ مارس ۱۹۱۶ منتشر شده است (اتحادیه، ۱۳۸۲: ۶۶) همان شماره‌ای که با توجه به گفته‌های پورداد به دلیل اعتراض رفقا به وسیله‌یترک‌ها سانسور و توقیف شد (همان: ۷۹).

با توجه به دو نکته انتقال رستخیز به کرمانشاه قابل توجیه است. اول از آن جهت که آن زمان این شهر مرکز عملیات طرفداران آلمان و عثمانی و مرکز برنامه‌ریزی و عملیات ضدروسی و انگلیسی بود. کنسول‌های انگلیس و روسیه ماه‌ها بود که از کرمانشاه بیرون رانده شده بودند و دوم اینکه تلاش عثمانی برای اعمال نوعی سانسور بر مطالب روزنامه، که در خاطرات پورداد اشاره شده است، مربوط به این مرحله از فعالیت نیز می‌شود. به‌خصوص که با توجه به علنی شدن اختلاف‌های داخلی و اظهار نگرانی پورداد از دوستان همراه، به نظر می‌رسد اعمال سلیقه کسانی که از استانبول خود را به بغداد رسانده بودند، نیز در این انتقال بی‌تأثیر نبوده است.

به دنبال پیش‌آمدهای مختلف، که زائیده‌ی شرایط ناسامان ایران و شرایط جنگی بود و پس از نزدیک شدن روس‌ها به کرمانشاه پورداد و یاران او برای سومین بار و در بغداد برای انتشار آن دست به کار شده و «یک شماره به چاپ رسید» (پورداد، ۱۳۷۱: ۸۰-۷۹). از نظر پورداد علت اصلی بازگشت به بغداد برخورداری از امکان نشر مجدد رستخیز است. چه «مابین کرمانشاه و بغداد وسایل طبع روزنامه موجود نبود ناچار به بغداد آمده در این اولین ساعت امکان به طبع بیست و پنجمین شماره رستخیز و انجام وظایف وجدانی خود قیام نمودیم» (مصطفوی، ۱۳۷۱: ۱۰۰).

مدیر مسئول و سردبیری رستخیز همچنان از موضوع‌های حل‌نشده‌ی پیرامون این روزنامه است. با مطالعه‌ی دقیق این روزنامه مشاهده می‌شود در پایان صفحه‌ی چهارم شماره‌های منتشر شده در بغداد «عبدالامیر» و در کرمانشاه «محمدتقی» نامی به عنوان مدیر مسئول معرفی شده است.^۳ این در حالی است که از شماره دوازده پورداد (گل) به عنوان مدیر، سردبیر و صاحب امتیاز معرفی می‌شود. در عین حال طی شماره‌های مختلفی با عنوان «گل» مقاله‌ها و شعرهای وی چاپ می‌شده است.

ق. ۱۹۱۵/م. بود. این روزنامه «در مجموع ۲۵ شماره، منتشر شده است» (معین، ۱۳۲۵: ۲۹). در حال حاضر ۱۸ شماره از این مجموعه در آرشیو مجلات کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

یحیی آرین‌پور ضمن معرفی جمالزاده و اشاره به ورود وی به بغداد و سپس کرمانشاه طی جنگ جهانی اول چنین اضافه می‌نویسد که وی «روزنامه رستخیز را منتشر کرد» (آرین‌پور، ۲۵۳۵: ۷۹) سپس در پاورقی همین مطلب چنین می‌افزاید که «در تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمد صدر هاشمی و مأخذ دیگر نام این روزنامه دیده نشده است.» [همان]^۲

اولین شماره رستخیز در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳/۲۶ اسفند ماه باستانی ۱۲۸۴ یزدگردی/ ۸ اوت ۱۹۱۵ میلادی انتشار یافت. البته پیش از این «طلیعه این روزنامه در مطبعه الزهوری بغداد و بدون تاریخ چاپ شده» بود (معین، ۱۳۲۵: ۳۱). شماره‌های یک تا هفت در فاصله ۲۶ رمضان ۱۳۳۳/ ۸ اوت ۱۹۱۵ میلادی تا ۱۰ ذی القعدة ۱۳۳۳ هجری / ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی در بغداد انتشار یافت. قیمت در نظر گرفته شده برای این مرحله از انتشار «در ممالک ایران - سالانه یک تومان، ممالک عثمانی سالانه ۲۰ غروش و ممالک خارجه سالانه ۶ فرانک» بوده است (رستخیز، ش. ۷-۱). در این زمان آدرسی که برای «مراسلات و تلگراف‌ها» در صفحه‌ی اول از شماره اول آن نوشته شده چنین است: (اداره رستخیز- بغداد) بر همین اساس فاصله انتشار هر شماره چنین بیان می‌شود: «عجالتاً هفته یکبار چاپ می‌شود».

با بروز مشکلات به خصوص با نزدیک‌تر شدن انگلیسی‌ها از جنوب به طرف بغداد، انتشار رستخیز با مشکلات فراوانی روبرو شد. به همین دلیل گروه به تدریج و «یکی پس از دیگری راه کرمانشاه را در پیش» گرفتند (جمالزاده، ۱۳۴۲: ۱۱۹). انتشار رستخیز در کرمانشاه ادامه یافت. به همین دلیل در نسخه‌های باقی‌مانده شماره‌های ۱۰ تا ۲۲ که از تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۳۴/ اول ژانویه ۱۹۱۶ تا ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۴/ ۱۴ فوریه ۱۹۱۶ را شامل می‌شود که به صورت دو شماره در هفته، در کرمانشاه منتشر شده است. قیمت اعلام شده برای این مرحله از انتشار (اشتراک سالیانه در کرمانشاه ۱۲ قران در شهرهای دیگر ایران ۱۶ قران، ممالک خارجه ۱۰ قران، تک شماره در کرمانشاه یکصد دینار، در شهرهای دیگر ایران سه شاهی) اعلام شده بود (رستخیز، ش. ۱۰ - ۱۵). این قیمت‌ها با

هدف از انتشار رستخیز طی سر مقاله‌ی شماره‌ی اول چنین اعلام شده است: «روزنامه رستخیز که در این روزگاران جنگ از پرده سر بدر کرده می‌خواهد ایرانیان را از این روز رستخیز آگاه ساخته مانند نفخه‌ی صور آنان را به سوی قیامت عظامی رزم بخواند.»

روزنامه‌ای معرفی نشده

رستخیز در ادامه با اشاره به آرزوی گرفتاری دشمنان و رهایی ملت ایران، امروز را همان روز معرفی کرده و اعلام می‌کند اگر می‌خواهید به این آرزو برسید «باید امروز بی‌پروا و مردانه بکوشید تا استقلال چندین هزار ساله‌ی ایرانرا پایدار سازید و... باید یکدل و یکزبان بگویید: یا رستگاری ایران. یا مرگ جاویدان... برخیزید! برخیزید! بشتابید! بشتابید! تا خانه‌ی خود را از دشمن نپرداخته از پای ننشینید...» (همان)

رستخیز در این برهه وظیفه‌ی دولت را نیز برگرفته شده از این احساسات مردمی معرفی کرده و چنین ادامه می‌دهد: «... امروز از دولت عذر و بهانه پذیرفته نیست. چه از برای ادای تکلیف او مانعی دیده نمی‌شود. حس مردم بیدار. کمک خارجی موجود. دشمنان شکست‌دیده و ناتوان...» (همان)

مروری بر اعلان‌ها و تحلیل‌های رستخیز

رستخیز روزنامه‌ای زاینده‌ی حوادث و نیازهای تبلیغی جنگ بود. به همین دلیل مطالب این روزنامه حول محور اخبار جنگ می‌چرخید. با توجه به سیر حوادث جنگ و پیروزی‌های اولیه‌ی آلمان و متحدانش، اخبار و تحلیل‌های این روزنامه مدام از پیروزی آلمان و گرفتار شدن دولت‌های متفق به خصوص نیروهای انگلیس و روسیه خبر می‌داد. البته هر مرحله از عملیات جنگی و شرایط سیاسی را با تغییر لحن، چگونگی و کیفیت خبرهای رستخیز می‌توان دریافت نمود. طبیعی به نظر می‌رسد که هر یک از خبرها، مقاله‌ها، تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های این روزنامه، نمودی عینی از نظریه‌پردازی‌های سیاسی کمیته‌ی ملیون به حساب آورده شود. مطالب مندرج در رستخیز را می‌توان در چند عنوان مرور کرده، مورد بررسی قرار داد که در ادامه به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

اخبار و مطالب مربوط به مسائل داخلی ایران

گاه رستخیز ضمن گزارش و درج خبری به بعضی از مسائل داخلی ایران اشاره دارد. چنانچه در مطلبی با عنوان «از تهران بما می‌نویسند» ضمن یادآوری دشمنی روسیه و انگلیس از عملکرد سقرای آن‌ها و فشار وارد شده به شاه برای عزل مشیرالدوله چنین خبر می‌دهد: «روس و انگلیس دو دشمن دیرینه ایران هنوز دست از نیرنگ بازی برنداشته با آنکه خود کنون سخت در زیر چنگال عقاب آلمان گرفتارند هر روز نوائی نو می‌نوازند. سفیر روسیه و انگلیس در تهران برای خاموش کردن حس زنده ایرانیان از هیچ گونه گستاخی و بی‌شرمی کوتاهی ندارند. این دو سفیر برای برانداختن کابینه‌ی وطن‌پرست مشیرالدوله سر زده و بی‌اذن به بارگاه خسروی درآمده... با تهدید

در ضمن مطبوعه‌ی شرافت احمدی نیز به عنوان محل چاپ در شماره‌های کرمانشاه و مطبوعه دنکور بغداد برای شماره‌های بغداد معرفی شده است. با توجه به خاطرات جمالزاده، انتشار روزنامه‌ی مزبور کاری مشترک بوده است و پس از ورود وی و پورداود، امیرخیزی، میرزا اسمعیل نوبری، سعدالله خان درویش، میرزا علینقی راوندی، پرفسور برکه‌الله هندی، دونفر افغانی و چند تن آلمانی به بغداد و کرمانشاه صورت گرفته است.

جمالزاده در این مورد چنین می‌نویسد: «در بغداد از جمله کارهایمان یکی هم علم کردن روزنامه‌ی رستخیز بود.» اگرچه وی سهم پورداود را در این میان بیش از دیگران دانسته و ادامه می‌دهد: «سهم پورداود در این کار بیشتر از سهم دیگران بود و سعی و کوشش وافری در پیشرفت این امر به منصفه ظهور رسانید. در آن گرمایی که مار پوست می‌انداخت، عرق می‌ریخت و مقاله می‌نوشت و به مطبوعه می‌برد و نمونه‌ها را اصلاح می‌کرد و صدها کارهای دیگری که با شور و شوق فراوانی انجام می‌داد.» (جمالزاده، ۱۳۴۷: ۱۹۹).

این درحالی است که پورداود به هنگام سخن از انتشار رستخیز با استفاده از فعل‌های مفرد سخن گفته و از این اقدام چنین یاد می‌کند: «... پس از هجده روز وارد فلوچه و بغداد شدم در پایتخت قدیم خلفای بنی عباس بار اقامت انداخته روزنامه‌ی باسَم رستخیز در آنجا تأسیس کردم...» (پورداود، بی‌تا: ۱۱) همچنین در این باره درج‌ای دیگری به عنوان کار مستقل پورداود یاد شده است: «دومین نامه رستخیز بود که پورداود مستقلاً به عنوان صاحب امتیاز و سردبیر و به نام مستعار گل نخست در بغداد و سپس در کرمانشاه و بار دیگر در بغداد انتشار داد» (معین، ۱۳۸۴: ۳۰).

هدف از انتشار رستخیز طی سر مقاله‌ی شماره‌ی اول چنین اعلام شده است: «روزنامه رستخیز که در این روزگاران جنگ از پرده سر بدر کرده می‌خواهد ایرانیان را از این روز رستخیز آگاه ساخته مانند نفخه‌ی صور آنان را به سوی قیامت عظامی رزم بخواند.» اگرچه در قسمتی از این همین مطلب رستخیز از «بدون تمایل به فرقه‌ی مخصوص» سخن می‌گوید، اما در ادامه شرایط جنگ را آن گونه معرفی می‌کند که حکایت از زمینه‌های اصلی تشکیل کمیته و مأموریت این گروه در ایران دارد: «دشمنان دیرینه‌ی ایران گرفتار و از غلغل توپ‌های کوه‌فرسای آلمان ندای رستگاری و بیداری بگوش ملل مظلومه‌ی شرق در رسید. (رستخیز، ش ۱: ۱).

نصب سعدالدوله خائن را تکلیف کردند...» (رستخیز، ش ۰۱، س ۱، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ ق/ ۸ اوت ۱۹۱۵ م: ۱).

رستخیز در سرمقاله‌های مکرر، انگلیس و روسیه را دولت‌های شکست‌خورده در پایان جنگ معرفی می‌کرد؛ بنابراین از هر فرصتی برای تذکر دادن اینکه لازم است «از این فرصت پیش‌آمده ملت و دولت ایران به خوبی بهره ببرند»، استفاده می‌کرد. از نظر رستخیز اگر از فرصت جنگ استفاده مطلوب نمی‌شد، در آینده‌های نزدیک ملت ایران پشیمان می‌گشتند. با توجه به این تفکر، رستخیز بی‌طرفی ایران در جنگ را «سوابی و ننگ» می‌داند. زیرا «از یک طرف کشور میدان جنگ و از طرف دیگر دشمنان نیرنگ‌باز سراسر مملکت را با فرار و مکر و حیله آلوده کرده‌اند...» (رستخیز، ش ۰۴، ۲۰ شوال ۱/۱۳۳۳ سپتامبر ۱۹۱۵: ۱).

در این راستا هرگونه تلاش برای گرفتن انتقام از دولت‌های متجاوز از نظر رستخیز قابل توجه است؛ چنان‌که خبر حمله به «قنسلخانه انگلیس» در اصفهان را که منجر به «زخم‌دار شدن قنسل و کشته شدن یک هندی از گماشدگان قنسلخانه» (رستخیز، ش ۰۷، ۱۰ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ ق/ ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵ م: ۳)، شد، با مسرت منتشر کرد.

البته این روزنامه با اعلام حمایت از آلمان، جهتی ضدروسی و ضدانگلیسی داشت، اما ظاهراً وجه ضدروسی آن نمود عینی‌تری یافته بود. چنان‌که در این باره می‌نویسد: «اگر سربازان روسیه به‌ضرب تازیانه‌ی افسران خود می‌جنگند، ایرانیان به دلیل بیداد و ستم‌هایی که کشیده‌اند برخاسته‌اند و تا موفق نشوند دست نخواهند کشید» (رستخیز، ش ۱۲، چهارم ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق/ ۱۰ ژانویه ۱۹۱۶ م: ۱). یا اینکه «روسیه شکست‌دیده در اروپا گرفتار چنگال آهنین عقاب آلمان سرافکننده و شرمسار می‌خواهد در ایران اظهار قدرت و توانایی نماید، شاید آن همه رسوایی را جبران نماید. خوش‌بختانه شکست روس‌ها در اروپا رعبی که در سال‌های دراز با هزار شقاوت و بی‌رحمی در دل‌های ما انداخته بودند و ممکن بود تا دامنه‌ی رستخیز ما ایرانیان را مغلوب سازد، از دل‌ها برداشته شد» (همان: ۱).

رستخیز بارها و به شکل‌های مختلف، جنایت‌ها و کشتارهای روسیه را یادآوری کرده، انتقام خون کشتگان را تقاضا می‌کند: «هنوز آه آتشین مادران داغ‌دیده و خواهران ماتم‌زده در سینه‌ها بلند است. کیست در ایران که خون‌ریزی تبریز را فراموش کرده باشد. کیست که بیداد رشت را از یاد داده باشد. هنوز بازگشت آواز توپ روس از روضه مطهر حرم امام رضا به گوش می‌رسد. هنوز خون ثقه‌الاسلام در جوش است» (رستخیز، ش ۰۷، ۱۰

ذی‌القعدة ۱۳۳۳ ق/ ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵ م: ۱). به همین دلیل خبر فتح کنگاور به صورت یکی از پیروزی‌های درخشان «اردوی مظفر و منصور»، همراه با شرح مفصلی از چگونگی بازپس‌گیری آن از روس‌ها و موقعیت جغرافیایی و اهمیت سوق‌الجیشی آن منطقه اعلام می‌شد (رستخیز، ش ۱۴، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق/ ۱۸ ژانویه ۱۹۱۶ م: ۴).

معمولاً هر شماره‌ی رستخیز (در بغداد و کرمانشاه) با مطالبی به نسبت طولانی درباره‌ی ایران آغاز می‌شد. اگرچه فضای کلی این مطالب آکنده از شور و شعارهای سیاسی و ملی است، در کنار آن در عمق آن‌ها تحلیلی از شرایط ایران نهفته است. در سرمقاله‌ای با عنوان «ایران امروز» به مقایسه‌ی شرایط ایران طی دو سال گذشته پرداخته و چنین نوشت:

... در چند سال اخیر در هیچ گوشه ایران آوازی بلند نشد. کسی از ستم روس زبان به گله هم نگشود اگر چند تن در گوشه و کنار ب از ظلم و تعدی گشودند، روس و انگلیس خود مستقیماً یا به دستیار دولت مرعوب ما آن بیچارگان را از وطن خویش می‌رانند... همه یک آواز با هم می‌گفتیم رشته کار از دست بشد. درد ایران بی‌دواست. چاره در دست خداست. امتیازات ما با خازر چه است. منابع ثروت ملی ما روس و انگلیس است... (رستخیز، ش ۱۰، ۲۴ صفر ۱۳۳۴ ق/ اول ژانویه ۱۹۱۶ م: ۱-۲).

به نوشته‌ی رستخیز زمانی که ملت از همه سو مایوس بودند و تنها راه نجات وطن را تربیت فرزندان و نجات ایران را فقط از راه معارف می‌پنداشتند «ناگهان از دفتر بزرگ سیاست گیتی ورق برگشت. ملل اروپا به دست و پا افتادند... و دشمنان ما در میدان جنگ سرگرم گردیدند. خرس روسیه و نهنگ انگلیس در زیر چنگال عقاب آلمان سخت گرفتار شدند» (رستخیز، ش ۰۲، ۶ شوال ۱۳۳۳ ق/ ۱۹ اوت ۱۹۱۵ م: ۲). از نظر رستخیز و در ادامه‌ی همین مطالب، تنها راه آزادی ایران در این زمان استفاده از فرصت جنگ جهانی است. «... ما که امروز می‌توانیم آزادی فردای خود را به زور بازو از پرتو دلیری خود تأمین کنیم چرا نکرده به امید صد سال پس از این بنشینیم» (همان) به همین دلیل درگیر شدن ایران در جنگ و در کنار دولت‌های متحد و زیر چتر و شعار اتحاد اسلام قرار گرفتن، آخرین پیام این نوشته‌ی رستخیز است که گویای مهم‌ترین ارکان فکری پدیدآورندگان آن محسوب می‌شود. «... ایران مملکت ادبی عالم اسلام است اگر ایران با روس‌ها و انگلیسی‌ها رسماً از در جنگ درآید. در واقع تمام عالم اسلام به این دو مملکت شوریده است» (رستخیز، ش ۱۰، ۲۴ صفر ۱۳۳۴ ق/ ۱ ژانویه ۱۹۱۶ م: ۲).

رستخیز در سرمقاله‌های مکرر، انگلیس و روسیه را دولت‌های شکست‌خورده در پایان جنگ معرفی می‌کرد؛ بنابراین از هر فرصتی برای تذکر دادن اینکه لازم است «از این فرصت پیش‌آمده ملت و دولت ایران به خوبی بهره ببرند»، استفاده می‌کرد

روزنامه‌ها معرف نشده

این خبر است:

از برای مسلمانان قفقاز، تونس، جزایر مراکش و هندوستان که از میان لشکریان فرانسه، روس و انگلیس اسیر آلمان شده بودند، دولت آلمان در سوسون مسجد باشکوه و بزرگی ساخته است که با حضور سرکردگان دولت عثمانی افتتاح گردید. امیر توهان آلمانی از برای مسلمانان اسیر که در پیش مسجد صف زده بودند، نطقی با این مضمون نمود: امپراطور این مسجد را برای مسلمانانی که می‌خواهند وظایف مذهبی خود را به جای آورند، بنا کرده است. شما مسلمانانی که به زور روس فرانسه و انگلیس نه به اراده‌ی خود به جنگ ما آمده‌اید، امروز خود را در مملکت ما اسیر نپندارید، بلکه مهمان ما هستید. پس از آن مؤذن بالای مناره اذان گفته، مسلمانان مشغول نماز شدند (رستخیز، ش ۶، ۶ شوال ۱۳۳۳ ق ۱۶ اوت ۱۹۱۵ م: ۳).

در کنار این گونه مطالب، اخبار و تحلیل‌های زیادی در شماره‌های متعدد رستخیز درباره‌ی «کمیته‌ی دفاع ملی»، گروه مهاجران و دولت موقت وجود دارد. برای نمونه خبرهای متعددی درباره‌ی ورود اعضای کمیته‌ی دفاع ملی به کرمانشاه را با ذکر عنوان و نام آن‌ها می‌توان دید. از این رو این روزنامه از جمله منابع مهم خبر در این باره، به حساب می‌آید.

خبر ورود اعضای کمیته‌ی دفاع ملی در سه شنبه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۴ / فوریه ۱۹۱۴ همراه با اخباری مبنی بر استقبال پر شور مردم محلی با شعارهایی چون «زنده باد وکلای محترم مجلس - زنده باد کمیته دفاع ملی» در شماره ۱۹ رستخیز آمده است. در همین جا رستخیز ضمن معرفی اعضای اصلی «کمیته‌ی دفاع ملی» که مرکب از وکلای مجلس و افراد آزادی‌خواه دیگری است، به آن‌ها خوش آمد و تبریک می‌گوید. در ضمن با توجه به سابقه‌ی فعالیت‌های چند ماهه‌ی کمیته، رستخیز اظهار امیدواری می‌کند تا این گروه بتواند پریشانی‌ها را اصلاح کرده، به زودی بر مردم ثابت کنند که «ملت به خطا نرفته و به صواب روی به کمیته‌ی محترم آورده، چاره‌ی دردها را از او خواست دارد» (رستخیز، ش ۱۹، ۲۸ ربیع‌الاول ق / فوریه ۱۹۱۶ م: ۲).

در این باره خبرهای دیگری نیز در شماره‌های بعدی رستخیز آمده است؛ از آن جمله خبرهایی درباره‌ی حسین کاشی، ماشاءالله خان پسرش همراه با چهارصد سوار، ناظم الاسلام گیلانی مدیر جریده‌ی شوری، حاجی شیخ اسمعیل رشتی نماینده‌ی گیلان، آسید فاضل کاشانی نماینده‌ی سمنان، نواب التولیه نماینده‌ی یزد، آقا سید محمد طباطبائی، حاجی میرزا علی محمد دولت‌آبادی، آقا عبدالمحمد آیت‌الله زاده طباطبائی، ادیب شهیر آقای عارف، **حجت‌الاسلام عراقی** و... همراه با گزارش‌های مختصری مربوط به زمان و چگونگی ورود آن‌ها به کرمانشاه آمده است (رستخیز، ش ۲۱: ۳-۴). بسیاری از وکلا، اعیان و مبارزان اعلام خبر ورود خود و سربازانشان را در رستخیز به نوعی برتری تلقی نموده و اعلان‌هایی را بدین منظور و با عنوان «گزارش ورود» برای رستخیز ارسال می‌کردند.

خبرهای مربوط به دولت موقت و نظام‌السلطنه نیز در شماره‌های مختلف رستخیز، همراه با جملاتی که تأیید و همراهی را به ذهن می‌رساند، دیده می‌شود، هرچند با تأخیر همراه هستند. اولین خبر در این باره در اول ربیع‌الاول ۱۳۳۴ / ۷ ژانویه ۱۹۱۶، با عنوان «مژده» دیده می‌شود: «... (مژده)

از نظر رستخیز مهم‌ترین هدف ایرانیان در آن زمان کسب آزادی از سلطه‌ی استعمارگران و رسیدن به استقلال بود. البته پرسش اصلی این است که «این استقلال را از همراهی کدام یک از دولت‌هایی که در جنگند، باید جست. از برباد دهندگان آن، روس و انگلیس یا از دولت‌هایی که در بدبختی ما بیگانه می‌باشند، مانند عثمانی، آلمان و اتریش» (رستخیز، ش ۱۳، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ ق / ۸ اوت ۱۹۱۵ م: ۱).

جالب است که در کنار اشاره به سوابق غیراستعماری دولت‌هایی چون آلمان و عثمانی در ایران، مهم‌ترین استدلال رستخیز این است که تنها راه نجات ایران دانستن سوابق استعماری انگلیس و روسیه و توجه به پایبند نبودن آن‌ها به تعهداتشان در تجربه‌های تاریخی کشورهای تحت سلطه معرفی می‌شود. «... در این صورت ضمانت این و آن ما را از مهلکه نجات نخواهد داد. همان باید از پرتو زور و شمشیر معاهدات را ثابت و پایدار بداریم» (همان: ۱).

اما از آنجا که توان نظامی مقابله با انگلیس و روسیه در ایران فراهم نیست، «... یگانه راه نجات ایران همان با آلمان، اتریش و عثمانی ساختن است. نخست از اتحاد عثمانی به عالمیان خواهیم گفت که مسلمانان همه‌ی عالم برای حفظ بیضه‌ی اسلام یکدل و یکزبان‌اند...» (همان: ۲). چنانچه پیش از این گفته شد، پس از انتشار بیست شماره از رستخیز، اختلاف‌های اعضای کمیته در ایران علنی شد. می‌توان گفت این اختلاف‌ها نمودی از جدایی آلمان و عثمانی بود که در نهایت به اعتراض و جدایی پورداود از سایر اعضای کمیته نیز انجامید.

بر همین اساس پیش از این، رستخیز اقدام به انتشار فتوایی مبنی بر وجوب جهاد علیه دشمنان اسلام کرد و در صفحه‌ی اول یکی از شماره‌های این روزنامه متن حکم جهاد آن‌ها را چاپ کرده، در پایان نیز چنین می‌نویسد: «این است فتوی شریف حجج اسلام و آیات الرخی الانام دامت برکاتهم راجع به تکلیف جهاد مقدس فلحد و الذین یخالفون عن امره. عین ورقه مزین شده به خط و مهر مبارک حج الاسلام در اداره‌ی رستخیز موجود است. هر کس بخواهد زیارت کند می‌تواند» (رستخیز، ش ۱۶، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق / ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ م: ۱).

شعرهای مبتنی بر اتحاد با عثمانی، اتحاد اسلام و بهره‌گرفتن از مقدسات تا شماره‌ی شانزدهم رستخیز تکرار می‌شود. در همین شماره در مطلبی با عنوان «اسلام را دریابید»، به موضوع تیرباران گنبد حرم حضرت رضا (ع) در مشهد و به دار آویخته شدن علمای تبریز، تبدیل شدن مساجد به اصطبل در رشت و همدان اشاره کرده، تقاضا می‌کند که «... استغاثه‌ی پیغمبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام را درباره‌ی اسلام با گوش دل بشنوید و... فتاوی علمای دین و رؤسای مذهب خویش را که مراجع تقلید شما هستند به دقت بخوانید و دستورالعمل‌های آن بزرگواران را سرمشق خود قرار دهید» (همان: ۲). در همین ارتباط و با توجه به داعیه آلمان مبنی بر حمایت از جامعه‌ی اسلامی، رستخیز نیز در مطلب مفصلی اقدامات آلمانی‌ها را در حمایت از اسیران مسلمان و فراهم نمودن امکانات آسایش و مذهبی بیان کرده، سپس به تجلیل از این اقدام می‌پردازد. از آن جمله

رستخیز به منظور همگامی با مهاجران تلاش می‌کند تا اطلاعات و خبرهایی را منعکس کند که موجب تقویت جبهه‌ی داخلی شود و در عین حال از انعکاس خبرهای ناگواری که موجب نگرانی عمومی می‌شود، خودداری می‌کند

روزنامه‌ها معرف نشده

مربوط به پس از ربیع الاول ۱۳۳۴/۱۹۱۶ است. چنان‌که در شماره‌ی نوزدهم به نقل از خبری درباره‌ی جنگ ملایر و همدان می‌پردازد:

جنگ در میان ملایر و همدان در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ - (ردوی ملی مرکب بود از قوای ژاندارمری در تحت ریاست ماژور (ابریکسن) و سوارهای شبچه ... از روسای لرها و سوارهای سالار ناصر و غیره در تحت فرماندهی ماژور (دماره) در ننج دو فرسخی همدان به قشون روس برخورد، جنگ سختی در آنجا واقع شد، روس‌ها شکست خوردند پس نشستند... (ش ۱۹، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ / فوریه ۱۹۱۶). جالب است که در عنوان این خبر رستخیز از «وقایع نگار مخصوص خود از نهب‌اند» خبر می‌دهد. این مطلب با توجه به انعکاس اخبار بیشتری، از نهب‌اند در شماره‌های بعدی، حکایت از سامان یافتن خبرگیری‌ها در آینده دارد، اگرچه این اوضاع ادامه نیافت.

رستخیز گاه به وسیله‌ای برای انتشار خبرها و اعلامیه‌های مهاجران تبدیل شده است. دلیل این ادعا، اخبار مختلف و انتشار اعلامیه‌ی رسمی نظامی مربوط به مهاجران است. این اعلان به امضای «کفیل ژاندارمری و فرماندهی نظامی شهر سید حسن ماژور» رسیده است که در تاریخ ۶ برج دلو ۱۰۲۴ و با چهار بند صادر شده است. در بند اول، تیراندازی در شهر اکیدا ممنوع و برای مرتکبان مجازات تعیین شده است. در بندهای دوم و سوم نیز «اجتماعات مظنون به ارتکاب و القاء فساد و مذاکرات و کلیه شایعات سوء بی اصل و موخش، ممنوع» اعلام شده است.

از این مرحله است که رستخیز به منظور همگامی با مهاجران تلاش می‌کند تا اطلاعات و خبرهایی را منعکس کند که موجب تقویت جبهه‌ی داخلی شود و در عین حال از انعکاس خبرهای ناگواری که موجب نگرانی عمومی می‌شود، خودداری می‌کند. به همین دلیل و با توجه به تکذیب برخی خبرها و شایعه‌ها، خبرهای غیرواقعی که حکایت از شکست‌های آلمان و عثمانی در جبهه‌های جنگ داشتند، مُخَلّ نظم قلمداد شده، انتشار آن‌ها را مانع آرامش و پیشرفت امور دانسته است؛ به‌خصوص که با مرور حوادث سیاسی و نظامی، شاهد ضعف و شکست‌های جدیدی در جبهه‌ی آلمان و عثمانی خواهیم بود.

از شماره‌ی هجدهم، رستخیز از اینکه خبرهای بیشتری از ایران و جبهه‌های داخلی را منتشر نمی‌کند، اظهار نگرانی و عذرخواهی می‌کند. علت این موضوع از نظر نویسندگان «نبودن وسائل مخابرات از قبیل پست و تلگراف» اعلام می‌شود (رستخیز، ش ۱۸، ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ / فوریه ۱۹۱۶: ۱).

آقای نظام‌السلطنه با هشت هزار - ۲۹ صفر از صحنه تلگراف می‌کنند آقای نظام‌السلطنه با سه هزار قوه وارد صحنه شد. دو هزار قوه به نهب‌اند دو هزار به ملایر و یک هزار به کنگاور فرستاد» (رستخیز، ش ۱۱، اول ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق / ژانویه ۱۹۱۶: ۴).

پس از آن مهم‌ترین خبر همراه با ضمیمه‌ی تحلیلی آن در این باره در رستخیز دیده می‌شود. بر این اساس رستخیز چنین می‌نویسد که از ابتدای کار، کمیته‌ی دفاع ملی به دلیل تفرقه‌ای که بین وطن‌پرستان بوده و همچنین وجود مسائل مالی و نظامی و روابط ضعیف خارجی، مشکلات فراوانی بر سر راه خود داشته است. در این مرحله نیاز شدید به تمرکز نیروها، تحت رهبری یک فرد احساس می‌گردید که:

یگانه فرزند رشید ایران حضرت آقای نظام‌السلطنه که مقام بزرگی و بزرگواری و شجاعت و شهامت ایشان به هیچ‌کسی پوشیده نیست، گوی سبقت از همگان خود ربوده، مردانگی علم کرده، به جمع‌آوری قوای متفرقه‌ی مدافعین ملی قیام و اقدام کرده... حقیقت این یک مژده‌ای است که می‌تواند عموم وطن‌پرستان ایران را امیدوار کند که شاهد فتح و ظفر را در این دفاعی که از دین و دولت خود می‌نماید به زودی در آغوش خواهند کشید (رستخیز، ش ۱۲، ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق / ژانویه ۱۹۱۶: ۲).

اعلام حمایت و پشتیبانی از نظام‌السلطنه در رستخیز پس از آن نیز با تأکید ادامه یافت. به خصوص که تا پیش از آن در بسیاری از مقاله‌ها، به خاطر در نظر نگرفتن استقلال ایران در واپسین روزهای جنگ، اظهار نگرانی می‌شد؛ به همین دلیل در مقاله‌ای، نویسنده با تجلیل از مقام نظام‌السلطنه تلاش وی را برای امضای قرارداد با دولت آلمان مورد تأیید و تقدیر قرا داده، چنین می‌نویسد:

... ما می‌توانیم از زبان ایران و ایرانیان تشکرات صمیمی به آن وجود محترم نمائیم و آن این است از قرارداد کتبی و ضمانت‌نامه معتبر که در میانه نمایندگان دولت قوی شوکت در آلمان و فرماندهی نظامی معظم ما رد و بدل گشته استقلال آتیه ایران و تمامیت خاک آن از هر گونه مخاطره مصون و محفوظ خواهند بود (رستخیز، ش ۱۳، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق / ژانویه ۱۹۱۶: ۲).

در همین ارتباط تلگراف‌های علما و روحانیون در تقدیر از اقدامات نظام‌السلطنه در رستخیز چاپ می‌شد. در ضمن پیام‌های نظام‌السلطنه در پاسخ به این تلگراف‌ها در رستخیز دیده می‌شود. خبرهایی از ایران در کنار خبرهای کوتاه جنگی نیز گاه در این روزنامه به چشم می‌آید این خبرها بیشتر

گیرد (رستخیز، شماره‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۷). این اطلاعات برای مقاله‌های مفصل‌تری در کاوه مورد استفاده قرار گرفتند، چه اینکه نوشته‌های کامل‌تری با این عنوان، در کاوه نیز دیده می‌شود.

اخبار مربوط به جنگ و سایر کشورهای درگیر در رستخیز

با دقت در نقل و انتشار خبرهای نظامی و چگونگی تحولات در جبهه‌های جنگ در رستخیز، به خوبی ارتباط انتشاردهندگان آن با آلمانی‌ها و کمیته‌ی ملیون روشن می‌شود. با مرور این گونه مطالب در این روزنامه، روند همکاری اعضای کمیته‌ی ملیون با نیروهای آلمانی و عثمانی به دست می‌آید. بیشترین حجم اطلاعات و اخبار مندرج در رستخیز مربوط به کشورهای درگیر در جنگ، به خصوص انگلستان، روسیه، آلمان و عثمانی است. این مطالب به نقد کشاندن شرایط سیاسی - اجتماعی این کشورها، درگیری آن‌ها در جنگ، آمار تلفات و شرایط اقتصادی آن‌ها را شامل می‌شود.

با توجه به رویکرد کلی رستخیز طبیعی به نظر می‌رسد که همه‌ی خرابی‌ها، شکست‌ها و شرایط نامطلوب اقتصادی - اجتماعی مربوط به کشورهای متفق و هرچه غیر از آن است، معمولاً از مشخصات کشورهای متحد محسوب می‌شود! چنانچه برتری نظامی و اقتصادی - اجتماعی آلمان مهم‌ترین اطلاعات انتشار یافته در این مورد است: «... راه‌آهن یکی از لوازم مهم جنگ به شمار است. شاید یکی از اسباب پیشرفت آلمانیان در این جنگ همان راه‌آهن باشد که سرتاسر کشور را فراگرفته... روسیه که از حیث جغرافیا بزرگترین ممالک اروپاست نسبتاً از همه ممالک اروپا کمتر راه‌آهن دارد...» (رستخیز، ش ۲، ۶ شوال ۱۳۳۳ ق/ ۱۶ اوت ۱۹۱۵ م: ۱). همچنین نوید شکست روس‌ها و یادآوری مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود در این کشور مهم‌ترین دستاویز این روزنامه محسوب می‌شود. برای نمونه در این به نقل از روزنامه‌ی کامبانا چنین می‌نویسد: «... شکست روس طرفداران وی را در حزن و اندوه نشانید. از روس‌پرستی نام و نشانی نماند...» (همان: ۲) و به زودی سران آن‌ها در «محکمه‌ی نظامی جلب» خواهند شد» (همان: ۳).

اشاره به برگزاری نماز و روزه‌ی توبه در روسیه به خاطر گرانی، خبری جالب توجه در این زمینه است. بر این اساس، یک هیأت مذهبی روسی سه روز روزه و به جا آوردن نماز را برای توبه از گناهان توصیه کرده است (رستخیز، ش ۷، ۱۰ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ ق/ ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵ م: ۲)؛ زیرا گرانی و کمبود مواد غذایی به شدت بر مردم فشار آورده، روحانیون مذهبی نیز

این درحالی است که با توجه به بروز مشکلات، اختلافات و حتی تحمل شکست‌های منطقه‌ای، جبهه‌ی داخلی دچار ناامیدی و سردرگمی‌های فراوانی است.

به دنبال این شرایط، درج خبرهایی مبنی بر کثیفی شهر و رعایت نشدن بهداشت و احتمال شیوع بیماری‌های همه‌گیر و اعلام کشته شدن یک افسر ژاندارمری یا اشاره به تأسیس مدرسه‌ای با نام «اتحاد اسلام» و تبلیغ برای ثبت‌نام داوطلبان، از جمله اعلامیه‌های خاصی است که در این شماره از روزنامه دیده می‌شود (همان: ۴).

موقعیت جدید جنگی در شماره‌های بعدی نیز به شکل دیگری قابل ملاحظه است؛ آنجا که رستخیز از صحنه‌های نبرد گزارش داده، به نوعی برای ناکامی‌ها و مشکلات به وجود آمده، توجیه‌های خاصی به دست می‌دهد. بر این اساس خبرهایی مبنی بر شکست‌های آلمان را تکذیب نموده، «برخلاف انتشارات مفسدین» شرایط امیدوارکننده‌ای را به مردم نوید می‌دهد.

همچنین در این باره، نویسندگان رستخیز ضمن حفظ روحیه و امیدواری خویش، تحلیل می‌کنند که برنامه‌ریزی‌های فرماندهان جنگی آلمان، بر مبنای مصلحت است؛ اگرچه در ظاهر این برنامه‌ریزی‌ها به نظر «دشمنان و سادهلوحان و بی‌خبران مورد تمسخر و استهزا واقع شود... و یا آن را به "شکست‌خوردگی و بیم و هراس و امثال آن" نسبت دهند» (رستخیز، ش ۲۲، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴/ ۱۴ فوریه ۱۹۱۶ م: ۱).

در این مطلب، نویسنده تلاش می‌کند تا شکست‌های اخیر دولت‌های متحد را موجه جلوه داده، همچنان زمینه‌های امیدواری و آرامش را برای مردم فراهم نماید تا جایی که منتشر نشدن خبرهای جنگی چنین توجیه می‌شود: این کار «نظر به مصالح و منافی است که فقط در پنهان داشتن اخبار مزبوره می‌توان تحصیل نمود» (همان: ۱ و ۲). نویسنده در پایان از مردم می‌خواهد به فرماندهان اعتماد کامل داشته، عقب‌نشینی‌های تاکتیکی آن‌ها را حمل بر شکست نکنند!

یکی دیگر از زمینه‌های قابل توجه در رستخیز معرفی ایلات و عشایر ایران است. این روزنامه در شماره‌های متعددی با درج اخبار و آمار به معرفی ایلات و عشایر ایران می‌پردازد. در این بخش اطلاعاتی درباره‌ی ایلات فارس، قشقایی، کردستان و عربستان با ذکر عنوان و عده‌ی خانوار، قوه‌ی مسلحه و نوع سلاح منتشر می‌شود. به نظر می‌رسد این اطلاعات می‌توانست در مسیر اهداف آلمانی‌ها و نمایندگان کمیته‌ی ملیون ایرانی مورد استفاده قرار

رستخیز گاه به وسیله‌ای برای انتشار خبرها و اعلامیه‌های مهاجران تبدیل شده است. دلیل این ادعا، اخبار مختلف و انتشار اعلامیه‌ی رسمی نظامی مربوط به مهاجران است

روزنامه‌ای معرفی نشده

آلودگی به گناه را عامل اصلی این رخدادها می‌دانند؛ چه اینکه خطاهای فرماندهان و بزرگان روسی در انتخاب راه و روش سیاسی - نظامی از گناهان بزرگ آن‌ها است.

در این رابطه، ضمن معرفی نیروهای روسی، سرداران آن‌ها را چنین معرفی می‌کند: «بی‌علم خودپرست و متکبر و دولتمندان ابداً رضا نمی‌شوند در میدان جنگ با سربازان و زیردستان خود مساواتی نمایند...» (ش ۲: ۱). در عین حال بارها خبرهایی از شکست‌ها و آمار مرگ و میر دشمنان، یعنی روسیه و متفقین یا تحلیل‌هایی از سرانجام جنگ به دست می‌دهد. ضمن این مطالب، بیشتر ترجمه‌هایی از مقاله‌ها یا گفته‌های بزرگان سیاسی - نظامی در روزنامه‌های اروپایی معرفی می‌شود. برای نمونه آمار کشته‌شدگان نظامی انگلیس را به نقل از روزنامه‌ای اروپایی در سال اول جنگ، چهارصد هزار نفر اعلام می‌کند (رستخیز، ش ۴، ۲۰ شوال ۱۳۳۳ ق/ ۱۹ اوت ۱۹۱۵ م: ۲). همچنین مخارج جنگ در سال اول برای فرانسوی‌ها بالغ بر ۳۴ میلیارد برآورد می‌شود (همان: ۳).

جالب است که در شماره‌های اول تا دهم، رستخیز حاوی اطلاعات و اخبار دقیقی از جبهه‌های جنگ است. این اخبار گاه فقط با سه روز فاصله در روزنامه درج شده است؛ چنان‌که در خبری اعلام می‌کند «اخبار رسمی آلمان ۳ اوت ۱۹۱۵ مطابق با ۲۲ رمضان ۱۳۳۳ از میدان غربی جنگ خبر می‌رسد استحکامات انگلیس را که در ۳۰ ژوئیه در نزدیکی هوژه گرفته‌ایم کاملاً در دست لشکریان آلمان است برخلاف اخبار رسمی انگلیس» (رستخیز، ش ۱، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ ق/ ۱۸ اوت ۱۹۱۵ م: ۷). همچنین در مطلب بلندی خبرهای مربوط به روسیه و اخبار جنگی درباره‌ی این کشور را با ده روز فاصله از رخدادها اعلام می‌کند (۶ شوال ۱۳۳۳ ق/ ۶ فرودین ۱۲۸۴/ ۱۹ اوت ۱۹۱۵).

ارتباط با آلمانی‌ها و تأمین اطلاعات و اخبار مربوط به جنگ از طریق آن‌ها برای رستخیز حدس زده می‌شود. از این رو این روزنامه از زاویه‌ی دید و اطلاعات آلمانی‌ها، می‌تواند منبعی مفید برای درک دقیق شرایط آن‌ها در ایران و منطقه حساب آید. این شکل نشر اخبار جنگی با تغییر مکان چاپ و انتشار رستخیز از بغداد به کرمانشاه تغییر کرد؛ به این معنی که پس از آن تحلیل و تشویق عمومی برای شرکت در جنگ شدت گرفته، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید. این در حالی بود که پس از پیشروی روس‌ها و عقب‌نشینی مهاجران خبر مربوط به جشن تولد امپراتور آلمان در کنسولخانه آن کشور در

کرمانشاه و تبریک آن، جایگزینی مناسب برای اخبار مربوط به پیشروی‌های آلمان و متحدانش در اروپا گردید! (رستخیز، ش ۱۸، ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق/ ۹ فوریه ۱۹۱۶ م: ۲).

در مجموع تحلیل‌های این روزنامه بر محور تأیید و ستایش سیاست‌ها، امکانات و قدرت آلمانی‌ها استوار بود. این نگاه برخاسته از جوی بود که پورداوود بعدها آن را چنین یادآوری نمود: «... من نیز از اثر هیاهو و بواسطه‌ی دسایس آلمانی‌ها و در باغ سبز نشان دادن آن‌ها برخاسته رفتم بسوئیس و آلمان و اطریش و رومانی و بلغار و اسلامبول و حلب از اینجا دل به دریا زده جعبه بزرگی به اسم «شخطور» در فرات انداخته با پاروزن‌های عرب احمد و ابراهیم و وادی پس از هجده روز وارد قوچه و بغداد شدم در پایتخت قدیم خلفای بنی‌عباسی بار اقامت انداخته روزنامه‌ای به اسم رستخیز در آنجا تأسیس کردم...» (پورداوود، بی‌تا: ۱۱).

در چنین اوضاعی است که رستخیز با بیان برتری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آلمان در پی ایجاد جوی مبنی بر احساس قدرت و کسب پیروزی برای آلمانی‌ها در جنگ است. «آلمان دارای قوت است و قوت الفبای جنگ است. همین قوت است که آلمانیان را مورد سرزنش ساخته و دشمنانش را بران گماشته که بگویند آئین و کیش آلمانیان همان قوت است» (رستخیز، ش ۲، ۶ شوال ۱۳۳۳ ق/ ۱۹ اوت ۱۹۱۵ م: ۳) و در ادامه: «ایجاد چنان جوی را برخاسته از ناتوانی انگلیس و روسیه دانسته و می‌نویسد: «قوت ضد عدالت نیست، فقط سوء استعمال آن شایسته‌ی ملامت است... آلمانیان این جنگ بزرگ را از پرتو دانش و بینش سرداران دانشمند و مهندسی با هنر خویش پیش می‌برند. بالخصوص فتوحات نمایان آلمانیان از نیروی اخلاق و حسن این ملت است، نه از پرتو قوه‌ی عضلات و آلات پولادین...» (همان: ۳).

شعر، مطالب ادبی و عمومی

استفاده از تاریخ باستان و اشاره به مجد و عظمت باستانی ایران در قالب اشاره به تاریخ و شعرهای حماسی در شماره‌های مختلف رستخیز دیده می‌شود. دعوت به رزم و جنگ‌آوری و بازسازی ایران، تجدد، عظمت و شوکت باستانی از جمله مفاهیم برآمده از دل شاعران رستخیز بود. تخلص و نام مستعار «گل» که مُعرف پورداوود است نشان می‌دهد، بیشترین اشعار و متن‌های ادبی رستخیز متعلق به وی بوده است. پورداوود در گذشته نیز از شعرهای ملی برای تحریک عواطف ملی و میهنی استفاده کرده بود.

نشر رستخیز و دفاع از برنامه‌ها و اقدامات آلمان و عثمانی با شتاب‌زدگی آغاز شد. بی‌برنامگی، اختلاف نظر، برآورده نشدن وعده‌های مالی و بالاخره شکست نظامی و خروج از کرمانشاه و بغداد باعث توقف نشر آن گردید

روزنامه‌ها معرفی نشده

چنان‌که در جریان اولتیماتوم روسیه و اخراج شوستر از ایران، پورداوود که در پاریس به سر می‌برد با همکاری اعضای «انجمن دانش‌پروان» که دانشجویان ایرانی مقیم لوزان بودند، دست به اقداماتی زد. وی با شور و هیجان بسیار با تهیه‌ی طبله بزرگ اظهار می‌دارد که «شعار و تصانیف وطنی خودمان را در ایران با کمک این طبله به گوش مردم خواهیم رساند» (جمالزاده، ۱۳۴۷: ۱۹۷).

این تجربه به شکل دیگری و در قالب سرودن اشعار ملی و حماسی به وسیله پورداوود تکرار می‌شود؛ اگر چه گفته می‌شود، این بار مردم کوی و برزن و درویش دوره‌گرد این اشعار را زمزمه می‌کنند:

رزم آمده خوش آمد و شد موسم کيفر / شمشیر شرر بار برآید برآید
 مهر وطن افسانه شد گلزار ما و برانه شد / ای وای بر ملک کیان ایرانیان ایرانیان
 دشمن بی‌نام و ننگ کار به غوغا کشد / بمعبد مسلمین زنگ کلیسا کشد
 ز روی ناموس ما پرده به یغما کشد / کشد بدار ستم وطن پرستان ما
 وای بر ایرانیان وای بر ایران ما

بعضی از مفاهیم نظامی در قالب قوانین جنگی لازم‌الاجرا در چند مقاله در چندین شماره‌ی رستخیز درج شده است. در این نوشته‌ها ضمن بیان معنی برای «جنگ» بر اساس قوانین بین‌المللی، جنگ را با دو مفهوم تجاوز و دفاع معنی کرده، و «هر دو طرف (جنگ را) در شناختن و محترم داشتن قوانین آن» ناچار معرفی می‌کند (رستخیز، ش ۱۴، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق / ۱۸ ژانویه ۱۹۱۶ م: ۳). بالاخره داستان کوتاه، جمله‌های کوتاه و حکمت‌آمیز و... از نمونه‌های دیگر مطالب غیر نظامی است که در رستخیز دیده می‌شود. بالاخره شکست مهاجران و ترک‌ها از روس‌ها در کنگاور و بیدسرخ باعث عقب‌نشینی آن‌ها از کرمانشاه شد. پس از آن انتشاردهندگان رستخیز مدتی مجبور به استقرار در قصر شیرین شدند. اما به دلیل شدت مشکلات پیش آمده، بالاخره پس از دو ماه گروه راهی بغداد شدند. این در حالی بود که تحمل شکست و اختلافات داخلی آن‌ها را به شدت سرخورده کرده بود. این در حالی بود که یکی از مهم‌ترین منتقدان عملکرد ترک‌ها، پورداوود بود. گروهی داد

نکته‌ی قابل توجه این است که برخی از همکاران پورداوود چون اسماعیل یکانی، ناله‌ی ملت و میرزا محمد غنی‌زاده که با اهداف مورد نظر کمیته‌ی ملیون به ایران آمده بودند نیز از ذوق شعری برخوردار بودند، اما در رستخیز از شعر آنان نمونه‌ای به دست نمی‌آید.

اطلاعات عمومی چون بهداشت و سلامت نیز در برخی شماره‌های

جدول شماره‌های موجود روزنامه‌ی رستخیز، در آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی^۸

شماره	قمری	یزدگردی	میلادی	محل نشر
اول	۲۶/رمضان/۱۳۳۳	۲۶ / اسفند/۱۲۸۴	۸ / اوت / ۱۹۱۵	بغداد
دوم	۶ / شوال / ۱۳۳۴	۶ / فروردین / ۱۲۸۴	۱۹ / اوت / ۱۹۱۵	بغداد
چهارم	۲۰ / شوال / ۱۳۳۳	۲۰ / فروردین / ۱۲۸۴	۱ / سپتامبر / ۱۹۱۵	بغداد
پنجم	۲۸ / شوال / ۱۳۳۳	۲۸ / فروردین / ۱۲۸۴	۹ / سپتامبر / ۱۹۱۵	بغداد
هفتم	۱۰ / ذی‌القعدة / ۱۳۳۳	۱ / اردیبهشت / ۱۲۸۴	۲۱ / سپتامبر / ۱۹۱۵	بغداد
دهم	۲۴ / صفر / ۱۳۳۴	۲۲ / مرداد / ۱۲۸۴	۱ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
یازدهم	۱ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۸ / مرداد / ۱۲۸۴	۷ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
دوازدهم	۴ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۱۱ / مرداد / ۱۲۸۴	۱۰ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
سیزدهم	۷ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۱۴ / مرداد / ۱۲۸۴	۱۳ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
چهاردهم	۱۲ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۱۹ / مرداد / ۱۲۸۴	۱۸ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
پانزدهم	۱۵ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۲۲ / مرداد / ۱۲۸۴	۲۱ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
شانزدهم	۱۸ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۲۵ / مرداد / ۱۲۸۴	۲۴ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
هفدهم	۲۳ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۲۹ / مرداد / ۱۲۸۴	۲۹ / ژانویه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
هیجدهم	۲۵ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۳۱ / مرداد / ۱۲۸۴	ناخوانا / فوریه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
نوزدهم	۲۸ / ربیع‌الاول / ۱۳۳۴	۲۵ / شهریور / ۱۲۸۴	ناخوانا / فوریه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
بیستم	۳ / ربیع‌الثانی / ۱۳۳۴	۲۹ / شهریور / ۱۲۸۴	ناخوانا / فوریه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
بیست و یکم	۶ / ربیع‌الثانی / ۱۳۳۴	۲ / مهر / ۱۲۸۴	ناخوانا / فوریه / ۱۹۱۶	کرمانشاه
بیست و دوم	۱۰ / ربیع‌الثانی / ۱۳۳۴	۶ / مهر / ۱۹۱۶	ناخوانا / فوریه / ۱۹۱۶	کرمانشاه

حمایت از آلمانی‌ها سر می‌دادند و گروهی همچنان ترک‌ها را در وفاداری به تعهداتشان جدی‌تر می‌دانستند. به این دلیل و در اعتراض به عملکرد ترک‌ها و مهاجران پورداوود، بغداد را ترک کرد. نامه‌های برجای مانده از این دوره نیز حاکی از دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های افراد گروه است.

قدرت گرفتن جریان فکری متمایل به عثمانی و بعضی دخالت‌ها و حتی تهمت‌ها، اختلاف‌های بالقوه‌ی اعضاء را آشکار ساخت. مهم‌تر از همه اختلاف بر سر موجودی صندوق کمیسیون بودو اتهاماتی که به برخی از اعضاء وارد می‌شد خیراز حیف و میل پول صندوق مزبور می‌داد. در کنار آن شکایت از اعمال سانسور عثمانی‌ها بر روزنامه که مانع از انتشار رستخیز شده بود، بر مشکلات موجود افزود.

بالاخره روزی فرا رسید که آخرین شماره‌ی رستخیز منتشر شد. به گفته‌ی پورداوود ۲۹ جمادی‌الاولی ۱۳۳۴ / ۲ مارس ۱۹۱۶، روزی بود که به علت اعمال سانسور افسران دولت عثمانی، روزنامه‌ی مزبور تعطیل گردید. پورداوود خود در این باره چنین نوشت: «... هر قدر که از عمر جنگ می‌گذشت، کار سخت‌تر می‌شد هم اوران معرکه به کلی مجال به فراغت نمی‌دادند. ترک‌ها هم دیگر به من اجازه‌ی انتشار رستخیز را ندادند، چه نخواستم از اتحاد اسلامی که دام تزویری بیش نبود، طرفداری کرده باشم» (پورداوود، بی تا: ۱۲).

پورداوود آزرده و معترض ابتدا به استانبول رفت تا از آنجا به اروپا برود. در این شهر وی از اینکه در بغداد مورد بی‌مهری دوستان واقع شده، زبان به اعتراض گشوده، خطاب به تقی‌زاده چنین نوشت: «... آدم‌ها از من بد می‌گفتند، به خصوص که مرا مزدور آلمانی‌ها خطاب می‌کردند... مرا سخن‌نگران حیثیت خود و خانواده‌ام در رشت کرد» (اتحادیه، ۱۳۸۲: ۷۸). وی پس از اقامتی کوتاه در استانبول و همکاری نکردن آلمانی‌ها با وی برای سفر به اروپا و در عین حال تلاش دکتر وبر - دبیر اول سفارت آلمان در استانبول - برای بازگرداندن پورداوود به بغداد و ادامه‌ی انتشار رستخیز، به صورت رسمی استعفا داده، اعلام کرد که دیگر حاضر به فدا کردن خود در این راه نیست. در عین حال با اصرار از تقی‌زاده تقاضا نمود تا پس از این از انتشار روزنامه با عنوان رستخیز صرف‌نظر کند و می‌گوید: «در غیر این صورت از اعتراض ناگزیر خواهم بود و این البته تأثیر خوبی نخواهد داشت» (همان: ۸۱). چگونگی آغاز و پایان انتشار این روزنامه می‌تواند نمادی از فعالیت سیاسی کمیته‌ی ملیون باشد. نشر رستخیز و دفاع از برنامه‌ها و اقدامات آلمان و عثمانی با شتاب‌زدگی آغاز شد. انتشاردهندگان آن نیز سختی‌ها و مشکلات فراوانی را تحمل نمودند. بی‌برنامگی، اختلاف‌نظر، برآورده نشدن وعده‌های مالی و بالاخره شکست نظامی و خروج از کرمانشاه و بغداد باعث توقف نشر آن گردید. این درحالی بود که هم‌زمان با نشر شماره‌های پایانی رستخیز، کمیته‌ی ملیون در برلین انتشار کاوه را آغاز کرده بودند.^۷

فهرست منابع

- اتحادیه، منصوره، ۱۳۸۲، «رستخیز روزنامه‌های ناشناخته»، مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، سال چهارم.
- ایرانشهر، کاظم، ۱۳۵۰، شرح حال به قلم او، شرکت نبی اقبال، تهران.

- پورداوود، ابراهیم، بی تا، پوراندخت نامه، دیوان پورداوود بانضمام ترجمه انگلیسی دینشاه.

- _____، ۱۳۴۷، «نامه‌ی پورداوود به تقی‌زاده»، مجله آینده، س ۱۳.

- جمالزاده، محمدعلی، ۱۳۳۳، «سرگذشت به قلم او»، مجله دانشکده ادبیات، دانشگاه تبریز، شماره سوم.

- _____، ۱۳۷۳، لحظه‌ای و سخنی با سید محمدعلی جمالزاده، به کوشش مسعود رضوی، نشرهمشهری، تهران.

- _____، سال ۱۳۴۷، «سوگواری برای دوستی شصت ساله»، مجله وحید، سال ششم، شماره‌های ۱، ۲ و ۳.

- روزنامه رستخیز، مجلد موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

- سپهر، مورخ الدوله، ۱۳۶۳، ایران در جنگ بزرگ، بانک ملی ایران، تهران.

- گرکه، اولریخ، ۱۳۷۷، پیش به سوی شرق، ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدیقی، انتشارات سیامک، چاپ اول، تهران.

- مصطفوی، علی اصغر، ۱۳۷۱، زمان و زندگینامه استاد پورداوود، مؤلف، تهران.

- معین، محمد، ۱۳۲۵، یادنامه پورداوود، جلد یک و دو، اساطیر، تهران.

- یغمایی، حبیب، ۱۳۴۹، خاطرات جمالزاده، جلد اول، انجمن آثار ملی، تهران.

پی‌نوشت

۱- در خاطرات جمالزاده، اسمعیل یکانی، پورداوود و کاظم زاده با ذکر برخی جزئیات، این سفرها تشریح شده است.

۲- دستیابی به اطلاعات دقیق و کامل در مورد رستخیز کاری دشوار بود. زیرا از یک طرف اطلاعات پراکنده و موجود در منابع محدود غیر واقعی و نادرست به نظر می‌رسید. از جهت دیگر دسترسی به نسخه‌های موجود در ابتدا غیر ممکن به نظر می‌رسید. زیرا به رغم مراجعه‌های مکرر به محل آرشیو مجله‌ها و روزنامه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی از این مجلد خبری به دست نیامد. تا پس از صرف وقت زیادی با همکاری یکی از کارکنان این بخش، مجلد بدون شماره‌ی این روزنامه به دست آمد. نکته مهم در این مرحله معرفی نشدن این روزنامه در منابع مرجعی چون «کتاب شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی، گردآورنده: مسعود برزین، انتشارات بهجت» و «تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمد صدر هاشمی» است.

۳- رستخیز را دکتر محمد معین در کتاب «یادنامه پورداوود» بعنوان نامه‌ای که به صورت مستقل وبا صاص امتیازی، سردبیری و تلاش‌های پورداوود منتشر شده معرفی می‌کند.

4 - Cambana.

5 - Hooge.

۶- این مقاله ترجمه‌ای از روزنامه‌ی بی‌طرف سوئیس ژورابرنوا (Lejura Bernois) معرفی شده است.

۷- بر اساس برخی مستندات آخرین شماره رستخیز در ۲۹ جمادی‌الاولی ۱۳۳۴/ مارس ۱۹۱۶ منتشر شد. این درحالی است که اولین شماره کاوه نیز در ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴/ ژانویه ۱۹۱۶ منتشر شد.

۸- تاریخهای ذکر شده در این جدول برگرفته شده از متن روزنامه رستخیز است. بنابراین وجود هرگونه ناهماهنگی، مربوط به اصل سند است.